



ازدواج موقت و ارتباط سفید

پدیدآورنده (ها) : نظافتی، محمدرضا

حقوق :: نشریه شهر قانون :: پاییز و زمستان ۱۳۹۶ - شماره ۲۰

صفحات : از ۳۷ تا ۷۰

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1373924>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۱/۲۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- بررسی ازدواج سفید در نظام حقوقی ایران و غرب (مدرنیته)
- بازپژوهی فقهی ازدواج سفید
- ازدواج سفید؛ پیامدها و خطرات
- جنسیت و ازدواج سفید
- ازدواج سفید و پیامدهای آن در کشور ایران
- گزارشی بر روند روبه رشد خانه‌های مجردی و ازدواج سفید؛ خانه مجردی راهکار یا راه فرار؟
- نقش ویژگی‌های شخصیتی و جمعیت شناختی در پیشبینی نگرش به ازدواج سفید در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان
- بر ساخت اجتماعی هم‌باشی بر اساس تجربه زیسته نمونه‌ای از هم‌باشان
- مطالعه‌ی خرده فرهنگ هم‌باشی در کلان شهر تهران (شرایط، زمینه‌ها و پیامدها)
- ازدواج موقت در کتاب و سنت
- کلان شهر تهران و ظهور نشانه‌های الگوی تازه‌ای از روابط زن و مرد؛ مطالعه زمینه‌ها، فرایند، و پیامدهای هم‌خانگی
- تحلیل توصیفی درباره خانواده، ازدواج رسمی و ازدواج (زیر یک سقف یا سفید) در ایران

عناوین مشابه

- نگرشی فقهی به نقش ازدواج سفید و جایگاه ازدواج موقت در تحول قوانین نظام خانواده در جامعه اسلامی
- وجوه تفاوت و تشابه ازدواج موقت با پدیده «ازدواج سفید»
- احکام دینی و علت پیدایش ازدواج سفید از منظر فقه و حقوق اسلامی
- تعیین ارتباط بین عدالت سازمانی با فرسودگی شغلی کارکنان شرکت فولاد سفید دشت چهار محال و بختیاری
- بررسی تطبیقی ازدواج مسیار و ازدواج موقت در فقه شیعه
- با نگاهی به آرای ایمانوئل کانت و استاد مطهری؛ چالش‌های ازدواج موقت
- ازدواج موقت از ابتدا تاکنون؛ مرزی کوچک بین حکم خدا و گناه
- بررسی اثرات و تبعات حقوقی ازدواج سفید در حقوق ایران با نگاهی تطبیقی به قوانین و مقررات فرانسه
- واری فقهی و حقوقی واقعه ازدواج سفید در رژیم حقوقی ایران
- بررسی ارتباط و میزان بهره‌مندی از خدمات مشاوره قبل و بعد از ازدواج در ایجاد سازگاری و استحکام خانواده در بین دانشجویان زن متاهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان سال ۱۳۹۲-۹۳

ازدواج موقت و ارتباط سفید

محمد رضا نظافتی^۱

چکیده

زندگی بدون ازدواج پدیده نامتعارف و ناآشنایی است که به‌عنوان ازدواج سفید به تازگی در ایران، ضدفرهنگ ملی و دینی شروع به رشد کرده است. همان‌طور که در کشورهای غربی این مدل زندگی، به‌عنوان ازدواج شناخته نمی‌شود، اطلاق واژه «ازدواج سفید» به پدیده زندگی دختر و پسر زیر یک سقف بدون هیچ‌گونه پیوند قانونی، شرعی و عرفی بی‌مسمی و ناهمگون است. عنوان هم‌خانه (homemade)، هم‌باشی (cohabitation) و یا شریک زندگی (partner) و نظایر این‌ها بر این پدیده مناسب‌تر و سازگارتر است؛ زیرا ارتباط سفید یعنی ارتباط بی‌تعهد و بی‌پیوند که با این سبک معاشرت انطباق بیش‌تری دارد. لذا اطلاق ازدواج به چنین ارتباطی ظلم به واژه مقدس ازدواج است، به دلیل آن‌که ازدواج، یعنی ایجاد زوجیت بین زن و مرد که در عرف، شرع و قانون، پیمان مهم و مقدس زناشویی است که برای مرد و زن در برابر هم تعهدات اخلاقی، حقوقی و اجتماعی پدید می‌آورد. در این مقاله تلاش شده است ابعاد اجتماعی، روانی، حقوقی و شرعی ارتباط سفید و جایگاه ازدواج موقت به منظور جایگزین و انتخاب مهم زندگی هر جوانی به روشنی تبیین گردد.

واژگان کلیدی: ارتباط سفید، ارتباط سیاه، هم‌باشی، ازدواج موقت، ازدواج دائم.

مقدمه

در دهه‌های اخیر به ترتیب اهمیت، طلاق، افزایش سن ازدواج و بی‌رغبتی جوانان به ازدواج مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی بوده است که خانواده‌های ایرانی را تهدید می‌کرده است اما از آغاز دهه ۹۰ آسیب مهم دیگری به نام ارتباط بدون ازدواج به‌طور خزننده به معضلات خانوادگی در ایران افزوده شده است و زنگ هشدار آن سال‌هاست به صدا درآمده است. ارتباط بدون ازدواج یعنی هم‌خانه شدن دختر و پسر بدون ثبت رسمی، قانونی و حقوقی که شیوه‌ای از زندگی است که با عرف، شرع، سنت و سبک زندگی جامعه ایرانی در همه این سال‌ها و دهه‌ها و حتی قرن‌های گذشته هم‌خوانی ندارد. در حالی که ازدواج در هر آیینی با قوانین و مقررات ویژه‌ای صورت می‌گیرد؛ اسلام علاوه بر آن که آداب و احکامی خاص و جهان‌شمولی برای این پیوند مقدس دارد، در عین حال به آداب و رسوم دیگر اقوام نیز احترام گذاشته است. عبارت‌های «ازدواج دائم» و «ازدواج موقت» دو نهاد تعریف شده در فرهنگ اسلامی و اجتماعی ما است که تقریباً همه ما با آن آشنا هستیم، این در حالی است که در اکثر کشورها ازدواج دائم امری پذیرفته شده و در برخی از کشورها نیز ازدواج موقت به رسمیت شناخته شده است؛ اما دلایل گرایش برخی جوانان به پدیده ارتباط بدون ازدواج و نیز بررسی آثار و آسیب‌های شخصی و اجتماعی آن از اهم موضوعات فرهنگی اجتماعی است که در این نوشتار تلاش شده است به دقت به آن‌ها و پیامدهای ناشی از آن‌ها پرداخته شود. مقایسه حقوق همسران در ازدواج موقت و نیز ازدواج دائم با پسران و نیز دختران به‌ویژه در ارتباط سفید بسیار از دید خانواده‌ها و افراد جامعه با اهمیت است که در این مقاله به ظرافت و روشنی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- تاریخچه ارتباط سیاه

در فرهنگ حقوقی و اجتماعی کشورهای غربی واژه‌ای به نام ازدواج سفید (white marriage) به معنای زندگی دختر و پسر زیر یک سقف بدون هیچ‌گونه پیوند قانونی و عرفی وجود ندارد. در فرانسه ازدواج سفید (Marriageblanc) نوعی ازدواج بدون رابطه جنسی مانند ازدواج‌های مصلحتی است. (Alan Bliss, 1996, Dictionary) در انگلیس اصطلاح «living

«together»^۱ یا اصطلاح «domesticpartnership»^۲ به معنای با هم زندگی کردن بدون ازدواج به کار برده شده است. شریک زندگی داشتن (Partnership) یکی از شیوه‌های رایج زندگی در غرب است که نخستین بار در آمریکا و در پی «جنبش آزادی زن» پدیدار شد. این جنبش با هدف ایجاد تغییراتی در نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه آمریکا انجام شد و هدف آن برقراری شرایط عادلانه و مساوی برای زنان بود. (حمیرا مشیرزاده، ۱۳۸۸، صص ۸۰-۱۰۰) اما مطالعات جامعه‌شناسی آمریکا نشان می‌دهد آنچه واقعاً اتفاق افتاد، پدیده‌ای بود که بعدها «انقلاب جنسی» نام گرفت و نتیجه آن رواج رفتارهای نابهنجار و بی‌بندوباری‌هایی بود که به غلط «آزادی زنان» نام گرفت. قبل از انقلاب جنسی، تمایلات جنسی زنان به روابط جنسی مبتنی بر ازدواج محدود بود؛ مردان هم چنان از امتیازهای جنسی خود برخوردار بودند و مخفیانه از آزادی‌های جنسی خویش لذت می‌بردند. پس از وقوع انقلاب جنسی، زنان قادر بودند به اختیار خود و بدون چشم‌پوشی از لذت، فرزند یا رابطه عاشقانه، از مردان و حتی ازدواج، بی‌نیاز باشند. در سال ۱۹۶۰م (۱۳۳۹ ش)، نیمی از زنان مجرد ۱۹ ساله هنوز رابطه جنسی را تجربه نکرده بودند اما در اواخر دهه ۱۹۸۰م (۱۳۶۰ ش) نیمی از دختران آمریکایی در ۱۷ سالگی و دو سوم آنان در ۱۸ سالگی رابطه جنسی را تجربه کرده بودند. (نانسی ال. کوهن، ۱۳۹۱، ص ۳۵) تا پیش از سال ۱۹۷۰ میلادی، زندگی بدون ازدواج در ایالات متحده غیرقانونی بود، در حالی که نزدیک به اواخر دهه ۱۹۹۰، حداقل ۵۰ تا ۶۰ درصد زوج‌ها پیش از ازدواج رسمی، مدتی را بدون ازدواج با یکدیگر می‌گذراندند. در سال ۱۹۹۴، حدود ۷/۳ میلیون زوج آمریکایی بدون ازدواج با یکدیگر زندگی می‌کردند و این در حالی است که طبق آمار آمریکا، تعداد زوج‌های ازدواج‌نکرده‌ای که با یکدیگر زندگی کرده‌اند، از ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۰ حدود ده برابر شده و اکنون زندگی بدون ازدواج، به مرحله‌ای عادی در روند آشنایی دو فرد تبدیل شده است. پایگاه شفا نیوز در مقاله «نگاهی به علل و عوامل هم‌خانگی دختر و پسرهای مجرد در ایران و آمریکا» می‌نویسد: در حدود ۴۰ درصد از زوج‌های هم‌خانه در آمریکا بدون آن که به ازدواج برسند، از هم جدا می‌شوند. نیمی از این افراد در طول زندگی چندین

1 - It generally means to live together as a couple without being married.

(<https://www.citizensadvice.org.uk>)

2 - A domestic partnership is an interpersonal relationship between two individuals who live together and share a common domestic life but are not married. (<https://www.citizensadvice.org.uk>).

هم‌خانه داشته‌اند. از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ تولدهای ناشی از ازدواج‌های این‌چینی در آمریکا ۴۰۰ درصد افزایش یافته است. در ابتدای قرن ۲۱ از هر دو کودک آمریکایی یکی، از این نوع رابطه به دنیا می‌آید. در آمریکا نسبت به سال‌های گذشته تعداد کودکان متولدشده از زوج‌های ازدواج‌نکرده، شش برابر شده، به طوری که تقریباً امروزه ۳۳ درصد نوزادان به مادران ازدواج‌نکرده تعلق دارند. (www.shafanews.com) در فرانسه این نوع ارتباط و زندگی تنها به خاطر منفعت صورت می‌گیرد و بعد از برطرف شدن نیاز، از هم جدا می‌شوند اما در ایران از آغاز دهه ۹۰ این آسیب مهم به طور خزننده به معضلات خانوادگی افزوده شده است. این نوع ارتباط و رفتار در شرع، عرف و قانون ایران تعریف نشده است و بسیار پرهزینه و زیان‌بار است. در برخی کشورها با انتخاب این نوع زندگی مشترک نوعی قدرت به زن داده می‌شود اما در ایران نه تنها زن‌ها قدرتی به دست نمی‌آورند بلکه موقعیت و منزلت قبلی خود را هم از دست می‌دهند.

۲- علل گرایش به ارتباط سیاه

اگرچه هر دختر و پسری با دلایل شخصی خود به این ارتباط سیاه تن می‌دهد اما براساس پرونده‌های قضایی و مصاحبه‌های انجام‌شده با افرادی که مبتلا به این شیوه از زندگی هستند و بررسی‌های جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه که در این باب صورت پذیرفته است، اهم دلایل رو آوردن جوانان به چنین ارتباطی عبارت‌اند از:

۲-۱- کم‌رنگ شدن باورهای مذهبی و اخلاقی

مهم‌ترین دلیل رخداد پدیده‌های نامشروع غربی در ایران حقیقت از دست دادن هویت انسانی و کم‌رنگ شدن باورهای مذهبی و اخلاقی را هشدار می‌دهد زیرا ماندگاری باورهای دینی و حفظ ارزش‌های معنوی در یک جامعه اسلامی باعث قوام آن جامعه و برعکس کم‌رنگ شدن دین و اعتقادات مذهبی در جامعه و زندگی بین مردم یکی از علل انحراف جوانان و متزلزل شدن کانون گرم خانواده است. رسول‌الله(ص) در این خصوص فرمودند: «لَا يَزْنِي الزَّانِي وَ هُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَسْرِقُ السَّارِقُ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ» (زنا نمی‌کند زناکار در حالی که او مؤمن است و سرقت نمی‌کند سارق در حالی که او مؤمن است.) (محمد بن یعقوب کلینی، ۱۳۷۵، ج ۳/ص ۳۸۸)

به همین میزان که رشد تدریجی جسمانی و بروز غرایز جنسی، موجب ظهور تحولات درونی و دگرگونی‌هایی در اخلاق و رفتار و روان نسل جوان می‌گردد، به همان میزان علاقه به دیدن

صحنه‌های تحریک‌کننده، تمایلات جنسی، خواندن داستان‌های عشقی، جنایی و پلیسی در اکثر جوانان تشدید می‌شود که اگر کنترل و هدایت نشود و در مسیر طبیعی و تکوینی خود قرار نگیرد و طبق مقررات دینی و قانونی ارضا نشود، زمینه برای انحرافات اخلاقی و پیدایش مشکلات روانی و عقده‌های سرخورده فراهم می‌گردد؛ آنگاه به صورت بزهکاری‌های اجتماعی و جرائم اخلاقی مثل اعتیاد، مشروب‌خواری، خودفروشی و ایجاد روابط گناه‌آلود پنهانی و تجاوز به حریم خصوصی دیگران و از دست دادن عزت و عفت نفسانی ظاهر می‌شود. برخوردهای نامناسب والدین و اطرافیان، معلمان و اولیای مدرسه با جوانان، حرکت‌ها، رفتارها و برخوردهای ناصحیح برخی دستگاه‌های اجرایی و قضایی و قانون‌گذاری، انتصاب افراد ناکارآمد و فاقد مدیریت و وجود دستگاه‌های موازی و صرف هزینه‌های سرسام‌آور برای انجام برخی کارهای فرهنگی کارشناسی نشده و بی‌اثر و نیز نداشتن روح تعاون و دلسوزی اسلامی، حاکمیت فامیل‌سالاری و حزب و جناح‌سالاری در برخی از نهادهای حکومت به جای بهادادن به جوانان کارآمد و شایسته‌سالاری، فقر و تهیدستی جوانان و خانواده آنان و حل نشدن بسیاری از مشکلات اشتغال، مسکن و رفاه و ازدواج، عدم اجرای عدالت اجتماعی و مبارزه با مظاهر فساد، عدم برخورد ریشه‌کن با اختلاس‌های دولتی و تصرف نابحق بیت‌المال و سرمایه‌های ملی توسط قلیلی از آحاد جامعه، رشد شعار به‌جای شعور و دوری اکثر نسل سوم از تاریخ و پیشینه انقلاب و ناآگاهی از عوامل و ارزش‌ها و اهدافی که انقلاب را پدید آورد، هم‌چنین ترویج آزادی‌های لجام‌گسیخته که حتی برخی از آن در غرب نیز وجود ندارد، تماماً برخی از عوامل سرخوردگی جوانان و کم‌رنگ شدن باورهای اعتقادی - اسلامی و ارزش‌های انقلابی است که برخی از جوانان را به سرکشی و بی‌هویتی و روابط نامشروع و هرزگی و بریدن از انقلاب و ارزش‌های دینی سوق می‌دهد. بی‌توجهی به تربیت و هدایت استعدادها و طبیعی جوانان باعث می‌شود که «فرصت‌ها» به‌جای بهینه‌سازی به‌سوی تبهکاری سوق داده شود که سبب کم‌رنگ شدن و کم‌رغبتی برخی جوانان به مسائل معنوی و ارزشی می‌شود.

۲-۲- ارضای نیاز جنسی

شکی نیست که یکی از نیازهای دوران جوانی برای پسران و دختران تأمین نیاز جنسی است که نه قابل انکار و نه قابل سرکوب کردن است؛ لذا همین نیاز طبیعی و ضروری وقتی در بستر ازدواج

سالم مشروع و قانونی پاسخ داده نشود، طبیعی است که به راه‌های دیگری کشیده می‌شود. هم‌خانه شدن یکی از راه‌های ساده و ارزان ارضای این نیاز اساسی انسان است. اکثر پسرها با توجه به شرایط روحی و روانی، عمدتاً هدف آن‌ها از این ارتباط بدون ازدواج، ارضای نیازهای جنسی است که بعد از مدتی به خاطر تنوع‌طلبی سراغ گزینه‌های بعدی می‌روند، درحالی که دخترها اکثراً با هدف ازدواج رسمی به این نوع ارتباط روی می‌آورند که عمدتاً این مهم محقق نمی‌شود و پیامد عدم تحقق آن، نفرت و سرخوردگی و افسردگی است. همان‌طور که خداوند فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! طیبات را که خداوند برای شما حلال کرده است، حرام نکنید! و از حدّ، تجاوز ننمایید! زیرا خداوند متجاوزان را دوست نمی‌دارد.» (سوره مائده، آیه ۸۷)

۲-۳- عدم مسئولیت‌پذیری

یکی دیگر از بزرگ‌ترین علت‌هایی که جوانان به «هم‌باشی» تن می‌دهند به این خاطر است که از بار مسئولیت خود کم کنند و یا اصلاً مسئولیتی در مقابل شریک زندگی خود نداشته باشند. در «ارتباط سیاه» به این پیوند ثبت نمی‌شود، دختر و پسر به راحتی می‌توانند رابطه خود را پایان دهند. به خصوص در جامعه‌ای که تعداد قابل توجهی از زندانیان به خاطر مهریه و نفقه در زندان‌ها به سر می‌برند و افراد برای طلاق موانع مختلفی را باید پشت سر بگذارند و با این حجم پرونده قضایی مدت‌های زیادی از عمر خود را باید در رفت و آمدهای پاسگاهی و دادگاهی صرف کنند، برخی از افراد به فکر راه‌های کم‌دردسر می‌افتند، هرچند از نظر شرع، قانون و عرف خلاف و ناپسند باشد.

۲-۴- مشکلات اقتصادی

یکی از دلایل قابل توجه دیگر برای روی آوری به ارتباط سیاه، مشکلات اقتصادی است. در جامعه‌ای که حتی افراد تحصیل کرده آن بیکارند و مشکلات پیچیده اقتصادی آن موجب شده مردهای ۳۰ و ۳۵ ساله و حتی بالاتر نتوانند زندگی معمولی در شان خود را تأمین و راهبری کنند و نیز با توجه به این که فشارهای اقتصادی فضای ازدواج رسمی را نامناسب کرده است، طبیعی است که اگر پایبندی‌های اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی وجود نداشته باشد، برخی از جوانان ترجیح می‌دهند یا ازدواج نکنند و یا روابط پنهانی داشته باشند.

۲-۵- بالا رفتن سن ازدواج

علت مهم دیگر در رواج ارتباط سیاه بالا رفتن سن ازدواج است. وقتی سن ازدواج بالا رود معیارهای انتخاب همسر مناسب، برای دختر و پسر مشکل تر می شود و به عبارت دیگر سخت پسند می شوند و ازدواج با ریسک بالاتری محقق می شود؛ لذا با انتخاب این نوع از رابطه با توجیه خود می خواهند معیارها را به صورت عملی در زندگی مشترک محک بزنند و ریسک انتخاب را کمتر کنند، هرچند که این توجیه در عمل اتفاق نمی افتد و به مراتب زیان وارده بالاتر و پذیرش چنین ریسکی خطرناک تر است. برای درک بهتر علت روی آوردن برخی از جوانان به این نوع از ازدواج می توان به فاصله شروع بلوغ جنسی و تشکیل خانواده اشاره کرد که تقریباً در دخترها و پسرها بین ۱۰ تا ۱۵ سال است و در این ایام تعداد قابل توجهی از جوانان صبر و قدرت کنترل لازم را نداشته و به طریقی باید نیازهای جنسی آنها تأمین شود. علاوه بر آن که وقتی دختری از سنین متعارف ازدواج عبور کرد، از ترس مجرد ماندن به ازدواج با مردهای غیر کفو تن می دهد. به طور مثال به مردانی که دارای اختلاف سنی زیادی با او هستند، پاسخ مثبت می دهد. در این میان تعدادی از این دختران به خاطر جلوگیری از این گونه انتخابها و بروز مشکلات رفتاری با اعضای خانواده و تقابل های روزمره، قید ازدواج را زده و به زندگی مجردی و جدایی از خانواده روی می آورند. لذا آن دسته از جوانان که تابع شرع و قانون نیستند و برای خود خط قرمزی قائل نمی باشند، انتخاب پدیده زندگی زناشویی بدون ازدواج طریق ساده و کم هزینه ای است.

۲-۶- تهاجم فرهنگی

هدف اصلی تهاجم فرهنگی تحت تأثیر قرار دادن مردم یک جامعه است زیرا اگر ملتی از نظر ارزش های فرهنگی و اجتماعی تغییر کند، حکومت حاکم بر آنها رفته رفته نهایتاً و به ناچار مجبور به پذیرش شرایط جدید و وضعیت تغییر پذیرفته خواهد کرد. وقتی تهاجم فرهنگی بیگانه، فرهنگ ملتی را با خود هم رنگ سازد، زمینه برای تسلط بیگانه بر آنان نیز فراهم می شود. از مهم ترین ابزارهای اجتماعی برای تخریب فرهنگ اصیل و ریشه دار ایرانی، گسترش فساد اجتماعی است. توزیع خانمان برانداز مواد مخدر و مشروبات الکلی، گسترش ورود مدهای مبتذل لباس های زنانه و مردانه و انواع مدل های موی سر و آرایش های غیرمتعارف دختران و پسران، ایجاد روحیه مدگرایی و ترویج گروه های رپ و شیطان پرست و...، گسترش هم جنس بازی و برقراری روابط

آزادجنسی در جامعه و رسوخ آن به‌ویژه در جوانان و خانواده‌ها از فسادهای اجتماعی است که برای بی‌هویت کردن نسل جوان ایرانی تدارک دیده شده است. آن‌چه مسلم است سال‌هاست که برخی از کشورهای غربی به دلیل ضدیت با نظام جمهوری اسلامی و برای مقابله با ارزش‌های اسلامی و اعتقادی مردم، نابودی خانواده‌ها و گسست روابط و سنت‌های حاکم بر ارتباطات اعضای خانواده را در دستور کار خود دارند و برای فروپاشی این بنیان مرصوص هزینه‌ها صرف کرده و می‌کنند. مقابله و مبارزه همه‌جانبه با ایمان قلبی مردم و شکستن مجموعه تعهدها و اعتقادات رسوخ یافته در بین خانواده‌ها و سرمایه‌گذاری برای ترویج خزننده روابط پنهانی بین جوانان و حتی در میان زنان شوهردار و مردان زن‌دار و دیگر اعضای خانواده جهت رهایی و رساندن همه آن‌ها به هرج‌ومرج و لاپابالی‌گری و پوچ‌گرایی از سوغات‌های جذاب غرب برای نسل حاضر است. ارائه الگوهای وارداتی برای مضمحل کردن نسل جوان و ارائه مد و مدپرستی در پوشش و ارائه حیات جدید در قالب «زندگی مدرنیته» و تغییر ذائقه برخی از جوانان در گسترش فساد اخلاقی و لاپابالی‌گری از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای، توزیع نوارهای ویدئویی و کلیپ‌های مخرب و مجلات با تصاویر مستهجن، پخش برنامه‌های فاسد و محرک به‌طور گسترده از طریق ماهواره و اینترنت که بیش‌ترین تأثیر را در بعضی از مردم ساده‌گذارده است و نیز رواج روابط سیاه و هم‌خانه شدن دختر و پسرها بدون رابطه قانونی و حتی عرفی، گوشه‌ای از تهاجمات فرهنگی غرب و شیخون به ارزش‌های اسلامی - اعتقادی جوانان کشور است که از طریق ارتباطات جهانی و رسانه‌های جمعی و مجازی در بین جوانان تبلیغ می‌شود و فرهنگ و خرده فرهنگ‌های نامأنوس و ناهمگون با جامعه ایرانی کم‌کم جای خود را باز می‌کند.

۲-۲- شرایط و قوانین دست و پاگیر دشوار طلاق

از دیگر دلایل کشش دخترها و پسرها به ارتباط سیاه پیچیدگی و اجمال و ابهام برخی قوانین مربوط به حقوق خانواده به‌ویژه طلاق، تفاسیر متفاوت قضات در برخی مواد قانون حمایت از خانواده مثل حکم طلاق و صدور گواهی عدم سازش زوجین و یا تعیین مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش در زمان طلاق و طولانی شدن پروسه طلاق و رفت و آمدهای قضایی، نبود مشاورین مجرب در حقوق خانواده، مشکلات عملی در اجرای آرای طلاق صادره از محاکم، ملتزم نشدن طرفین و یا یکی از آن‌ها به آرای قضایی و عدم اجرای آن‌ها در دادگاه‌های اجرای احکام، الزامی شدن قاضی مشاور زن در بین زوجین در حالی که اکثر قضات برای این امر مهم از دانش تخصصی

لازم برخوردار نیستند، مشکلات قبل و بعد طلاق توافقی، جزایی بودن نپرداختن مهریه، نفقه و مواردی از این نظیر به حق یا نابه حق موانعی است که زن‌ها و مردها را به ارتباطات بی‌تعهدانه و جدا شدن ساده سوق می‌دهد که در این موارد بر مدیران قضایی و اجرایی کشور تکلیف است که نسبت به آن‌ها بازبینی و تدبیر کارساز کنند. (رجوع شود به قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۱ و بخشنامه‌های مربوط)

۲-۸- عصر ارتباطات و تنوع‌طلبی جوانان

با پیشرفت رسانه‌ها و ارتباطات، تنوع‌طلبی برخی از جوانان از دیگر دلایل رابطه خارج از ازدواج است که در فرهنگ ما برحسب هوس بازی محقق می‌شود. براساس تحقیقات به‌عمل آمده، عواملی چون فاصله زیاد میان سن بلوغ و ازدواج و زمینه‌های مناسب برای داشتن شریک‌های جنسی متعدد پیش از ازدواج، تأثیرپذیری جوانان از عوامل بیرونی، مشکلات جنسی زوج‌ها در ازدواج دائم و عدم وجود مراکز مشاوره‌ای و تخصصی لازم برای این افراد، چشم‌چرانی، تماشای فیلم‌های تحریک‌کننده جنسی، مشاهده تصاویر شهوت‌انگیز، مشاهده فیلم‌های مبتذل، پوشش و آرایش نامناسب و تحریک‌کننده در جامعه و هم‌چنین مشاهده سریال‌های ماهواره‌ای که روابط آزاد دختر و پسر را رواج می‌دهند و قبح و زشتی آن را کاهش و کم‌رنگ می‌کنند و نظایر آن‌ها از جمله مهم‌ترین عواملی است که بر تنوع‌طلبی برخی از افراد جامعه به‌ویژه جوانان دامن زده است و موجب شده است که به ارتباط سیاه تن دهند تا هر زمان از شریک جنسی خود خسته یا زده شدند به شریک دیگر روی آورند. مسلماً این نوع تنوع‌طلبی برخی از جوانان مانع از تعهد رسمی آنان برای ازدواج خواهد شد.

۲-۹- ضعیف شدن پیوندهای خانوادگی

گسستن و ضعیف شدن پیوندهای خانوادگی، سست شدن روابط والدین با فرزندان، بی‌توجه شدن به سنت‌های نیک در خانواده، خودسری فرزندان در امر ازدواج، آشنایی‌های خیابانی و آشنا شدن دختران و پسران در فضاهای مجازی و عدم مشاوره با خانواده، پایبند نبودن به ازدواج سنتی و نیمه سنتی و زمینه‌های نامطلوب دوست‌گزینی خارج از خانه از عوامل مهم ضعیف شدن

سنت‌ها و پیوندهای خانوادگی است که منجر به ایجاد ارتباطات پنهانی و حتی هم‌خانه شدن با جنس مخالف است.

۲-۱۰- سنت‌های غلط ازدواج

پافشاری برخی از خانواده‌ها و برخی دختران و پسران در حفظ سنت‌های غلط که عمدتاً برای چشم و هم‌چشمی رواج پیدا کرده است؛ مانند مهریه‌های سنگین و غیرمتعارف، جهیزیه‌های گران و سنگین، تجمل‌گرایی، خرید از برندهای معروف و مکان‌های مشهور، الزام پسر به برگزاری عروسی در هتل‌ها و سالن‌های پرخرج، تهیه لباس عروس گران‌قیمت، اجاره کردن خانه‌های لوکس در مناطق گران‌قیمت و از این نظایر باعث شده است جوانان از ازدواج فراری شوند و به ارتباطات سیاه که این سنت‌های غلط را ندارد، روی آورند.

۲-۱۱- فقدان الگوهای صحیح اجتماعی در قبال مشکلات ازدواج دائم

علیرغم آن که در اسلام در قبال مشکلات ازدواج دائم الگوی موقت ارائه شده است، اما به دلیل نهادینه نشدن این الگو در جامعه، عملاً برخی از جوانان به جای انتخاب الگوی اسلامی و قانونی، الگوهای ناصحیح غربی را انتخاب کرده‌اند. به تعبیر دورکیم جامعه‌شناس فرانسوی آنومی حاصل از فقدان هنجارهای مورد قبول جامعه راه را برای پذیرش الگوهای نامتعارف و غیرهمگن باز کرده و این امر از علل پدیداری کجروی و جرم می‌باشد. (Emile Durkhiem, 1965, p. 370&373) مسلمانمی‌توان بی‌توجهی و کوتاهی علما و دانشمندان، سخنوران مذهبی، جامعه‌شناسان، اساتید دانشگاهی، نمایندگان قوه تقنینی و نیز مسولان اجرایی و مراکز فرهنگی - اسلامی و ... را در نهادینه نشدن الگوی مناسب و رشد و نمو الگوی نامناسب نادیده گرفت.

۳- آثار ارتباط سیاه

ارتباط به‌ظاهر سفید اما به‌واقع سیاه بین دختران و پسران پیامدهای خطرناک و غیرقابل جبرانی دارد که عملاً نتیجه این ارتباط به سیاهی و تباهی نسل جوان تبدیل شده است که ذیلاً به اهم آن‌ها به‌طور اختصار پرداخته می‌شود.

۳-۱- گناه و اضطراب و عدم امنیت روانی

بدون شک بودن دو نامحرم در یک مکان آن‌هم با این سطح از ارتباط هم از نظر دین مبین اسلام^۱ گناه شمرده می‌شود و هم از نظر قوانین موضوعه (مواد ۲۲۱ و ۶۳۷ قانون مجازات) ایران جرم محسوب می‌گردد و هم از نظر عرف امری مذموم می‌باشد. به همین دلیل افراد مبتلا به این نوع روابط هم با نوعی ترس و نگرانی از عواقب چنین رابطه‌ای دست و پنجه نرم می‌کنند و هم به هر شکل ممکن تلاش در مخفی‌سازی آن دارند. در ارتباط سیاه آنچه بسیار به چشم می‌آید احساس عدم امنیت روانی برای هر دو طرف و خصوصاً برای دختران و زنان است؛ هر چند زنان در این ارتباط به‌زعم خود به دنبال آرامش روحی و روانی هستند ولی به دلیل اضطراب و ترس حاکم بر این روابط نه تنها آرامشی یافت نمی‌شود بلکه آثار مخرب و فاجعه‌آمیزی بر ذهن و روان طرفین به‌ویژه دختران ازدواج‌نکرده بر جای می‌گذارد. یکی از اثرهای این گناه احساس نفرت است، چون هر دو می‌دانند این رابطه از هیچ جهت و نزد هیچ شخصی مطلوب نیست. به‌خصوص اگر این افراد در این ایام تجربه‌های متعدد و متنوعی داشته باشند، همین امر زمینه‌ای برای احساس نفرت بیش‌تر خواهد بود زیرا از نظر روحی وقتی می‌بینند که شوهر با چند دختر دیگر رابطه داشته و آن‌ها را به طرق مختلفی ترک کرده است، این احساس تلخ در جان پدید می‌آید که روزی هم او را ترک خواهد کرد. در نتیجه رابطه پایداری را برای خود تصور نمی‌کنند و بنیان و استحکامی برای زندگی مشترک پدید نمی‌آید.

۱- سوره فرقان، آیه ۶۸، ۶۹: «و بندگان خدا کسانی‌اند که زنا نمی‌کنند و هر که چنین عملی را انجام دهد مجازات آن را خواهد دید و عذاب او در قیامت دو برابر خواهد بود و با حالت خواری در آن عذاب بماند.» حضرت محمد(ص) فرمودند: «چهار چیز است که هر کدام در خانه‌ای رخنه کرد و ویرانش کند و برکت از آن خانه‌ها برود: ۱. خیانت ۲. دزدی ۳. شراب ۴. زنا.» (امالی شیخ صدوق، مجلس شصت و دوم، صفحه ۳۹۸). حضرت رضا (ع) فرمود: «بزرگ‌ترین گناهان و زشت‌ترین آن‌ها در پیش من زنا است زیرا که قاتل به‌واسطه آدم‌کشی، دیگری را تباه و فاسد نمی‌کند ولی مرد زناکار تا روز قیامت نسل بشر را فاسد می‌کند و حرام را حلال می‌کند. در مجلس مأمون که حضرت این بیان را فرمود فقیه و دانشمندی نبود که دست آن حضرت را نبوسد و اقرار به گفته آن حضرت نکند.» (ارشادالقلوب، جلد ۱، صفحه ۱۷۵)

۳-۲- انهدام کانون خانواده

ارتباط سیاه تهدیدی انکارناپذیر و خطرناک برای از بین بردن کانون خانواده‌ها و حذف سبک زندگی سنتی و نیمه سنتی اسلامی در ایران می‌باشد که باید خانواده‌ها و مسئولان فرهنگی جامعه در کنار هم به انجام کار فرهنگی و شفاف‌سازی و روشنگری در خصوص مخاطرات این پدیده شوم فرهنگی اجتماعی گام بردارند. مصاحبه‌های انجام‌شده با زنان و مردانی که چنین زندگی را برگزیده‌اند حاکی از آن است که برخی از این زوج‌ها تصمیمات و برنامه‌های قطعی برای ازدواج قانونی دارند و رفتار آن‌ها در جامعه درست مثل زن و شوهرهای عادی است و برخی دیگر از آن‌ها هم هیچ تصمیمی برای ازدواج ندارند و در این روابط بی‌تعهد فقط بر معامله هم‌زیستی پایبند هستند. در واقع، بهتر است دختران و پسران برای حفظ کانون خانواده که عامل مهم استحکام زندگی زناشویی است با دقت بسیار بیش‌تری در مورد ارتباط سیاه فکر کنند زیرا وقتی طرفین به‌ویژه مردان در این نوع ارتباط هیچ محدودیت یا مسئولیت‌پذیری رسمی و قانونی را متعهد نمی‌شوند، معنا و مفهوم روشن آن انهدام کانون خانواده و ساختن بنایی بر روی آب است.

۳-۳- ناپایداری ارتباط سیاه

هم‌باشی یا هم‌خانگی، ارتباطی تعریف‌نشده در شرع و قانون و عرف است که در آن دو طرف هیچ تعهدی برای کنار هم ماندن ندارند، حتی اگر یک‌طرف هم دوست داشته باشد که زندگی دائمی و همیشگی داشته باشد، خیلی وقت‌ها طرف دیگر خواستار آن نیست؛ لذا احتمال فروپاشی و به هم خوردن ارتباط‌های سیاه بسیار بالاتر از ازدواج‌های رسمی است. این افراد همان‌طور که به راحتی طرف مقابل را برای هم‌خانه بودن انتخاب می‌کنند، خیلی زود با یکدیگر رابطه جنسی برقرار می‌کنند و عواطف و احساسات خود را به یکدیگر گره می‌زنند و در چنین ارتباطاتی اگر مرد نسبت به ادامه این رابطه اظهار بی‌میلی کند، صدمات روحی قابل توجهی به زنان و دختران وارد می‌شود، چراکه آنان برحسب طبیعت خود دوست دارند روی فردی سرمایه‌گذاری عاطفی کنند که این فرد از ارزش لازم برخوردار باشد که متأسفانه در ارتباط سیاه عمدتاً چنین اعتمادی برای سرمایه‌گذاری عاطفی پدید نمی‌آید.

۳-۴- فرزندان نامشروع

افرادی که به این گونه هم‌خانه هستند به دلیل عدم مسئولیت‌پذیری و غیررسمی بودن و پنهان‌کاری اولاً، علاقه‌ای به فرزنددار شدن ندارند که خلأ روانی و بیماری‌های جسمی و تبعات پزشکی برای دختران و زنان را در پی دارد و ممکن است حتی شانس مادر شدن را از دست دهند و یا حداقل موجب کاهش آن شود. ثانیاً، این افراد معمولاً دچار بارداری‌های ناخواسته می‌شوند که نتیجه آن عمدتاً سقط جنین‌های مکرر است که دختران و زنان بیش‌ترین خسارت را از نظر جسمی و روحی و بهداشتی می‌بینند، در حالی که مردان در صورت ترک چنین رابطه‌ای کمتر آسیب می‌بینند. ثالثاً، اگر به هر دلیل فرزندان در این ارتباط حفظ شوند، لطمه جبران‌ناپذیری را متحمل می‌شوند؛ چراکه سرنوشت آنان پس از تولد به‌عنوان فرزندان نامشروع مشخص نیست. (بند ۴-۴ و ۴-۷ همین نوشتار)

با این تبعات منفی هر دختر و پسر عاقلی برای بهره‌مندی از شرایط مطلوب و رفع این ناگواری‌ها باید بهتر اندیشه کند و پدیده مناسب‌تر و کم‌ریسکی را برای تأمین نیازهای جنسی و روحی خود اختیار کند.

۴- تفاوت‌های ازدواج رسمی و زندگی زناشویی بدون ازدواج

در اکثر کشورها حتی کشورهای غربی و به‌ویژه کشورهای اسلامی که دارای فرهنگ سنتی با قدمت زیاد هستند، ازدواج دائم و یا موقت و یا حتی ازدواج‌های قراردادی را در نظام تقنینی خود تدوین و تصویب و جایگزین کرده‌اند که اشخاص با انتخاب چنین ازدواج‌هایی از حمایت‌های شرعی، قانونی و عرفی برخوردار شوند. در این نوشتار به‌طور مختصر به گوشه‌ای از تفاوت‌های اساسی ازدواج‌های رسمی با ارتباط سیاه پرداخته می‌شود.

۴-۱- صداقت و دروغ‌گویی

روح و روان انسان‌ها خودبه‌خود باصداقت سازگارتر است و انسان‌های پاک‌سرشت از دروغ بیزار و متفر هستند. در ازدواج رسمی و قانونی هیچ مانعی برای صداقت وجود ندارد ولی متأسفانه یکی از آسیب‌های جدی در ارتباط بدون ازدواج مخفی‌کاری و پنهان کردن اصل این هم‌خانگی و داشتن ارتباط زناشویی است که افراد مجبور خواهند شد به نزدیکان و دوستان خود دروغ‌های

زیاد و متعددی را برای حفظ این راز بیان دارند. این موضوع بار روانی زیادی را در بلندمدت بر دختر و پسر خواهد داشت. حفظ رازداری برای این افراد امری بس دشوار است. بنا بر مصاحبه‌هایی که از این افراد ضبط شده است به اقرار خود، آن‌ها مجبورند همواره دروغ بگویند تا حقیقت مشخص نشود. دروغ‌گویی مستمر آن‌هم به نزدیک‌ترین افراد خانواده و نیز دوستان، ایجاد حس انزجار و تنفر از خود را پدید می‌آورد که خسارات روحی جبران‌ناپذیری را به دختران و پسران و به‌ویژه بانوان می‌زند.

۴-۲- آرامش و عدم سرمایه‌گذاری عاطفی

به‌حسب فرمایش قرآن مهم‌ترین هدف ازدواج به آرامش رسیدن همسران در کنار یکدیگر می‌باشد. همه مردان و زنان آرزو دارند در زندگی مشترک تکیه‌گاه همدیگر باشند به‌ویژه زنان به دلایل ویژه روحی علاقه‌مندند که همسری را برای خود اختیار کنند که بتوانند در فراز و نشیب‌های زندگی به وی تکیه کنند و برای خود ایجاد پشتیبان قوی کنند و برای این مهم سرمایه‌گذاری عاطفی انجام می‌دهند و اکثر زنان به شریک زندگی خود از نظر عاطفی وابستگی‌های شدیدی پیدا می‌کنند. در حالی که این تغییرات رفتاری و سرمایه‌گذاری‌های عاطفی در ارتباط سیاه دیده نمی‌شود به‌خصوص آن‌هایی که در ارتباط سیاه هیچ برنامه‌ای برای ازدواج رسمی با یکدیگر ندارند. در این شرایط این افراد فقط با یکدیگر مانند هم‌خانه زندگی می‌کنند و زندگی کردن با یک نفر به‌جای ازدواج کردن با او، جذابیت‌های ازدواج را برای این افراد کاهش می‌دهد. عدم قطعیت در مورد ثبات و طول عمر این روابط، سرمایه‌گذاری در آن را برای هر دو طرف پرخطرتر می‌کند. تجربه نشان داده است زوج‌هایی که انتظار دارند سال‌های سال کنار هم بمانند برای استحکام کانون خانواده مهارت‌هایی پیدا می‌کنند و برای رفع نواقص و کاستی‌های خود و پر کردن خلاءهای اخلاقی و رفتاری به‌طرف خود تکیه می‌کنند اما در ارتباط سیاه چنین سرمایه‌گذاری‌ها و کسب مهارت‌های لازم برای حفظ زندگی مشترک اگر هم محقق شود با ریسک و هزینه بسیار بالا انجام می‌پذیرد چون طرفین نمی‌دانند باکسی که در حال حاضر هم‌خانه هستند تا چه زمان دیگری کنار هم همچنان باقی خواهند ماند.

۴-۳- رابطه جنسی مشروع و رابطه گناه آلود

یکی دیگر از اهداف ازدواج رسمی تأمین نیازهای جنسی است که زوجین با طیب خاطر و آرامش کامل می‌توانند به‌طور مشروع از این نعمت لذت‌بخش الهی به‌طور مستمر و در هر شرایط ممکن استفاده کنند؛ در حالی که در ارتباط سیاه این نوع رابطه از نظر شرع (سوره اسراء، آیه ۳۲)^۱ و قانون (ماده ۲۲۱ قانون مجازات) گناه آلود و جرم است و نوعاً با ترس و اضطراب انجام می‌شود. در ازدواج مشروع، اعتقادات مذهبی، پابندی به پذیرش تعهدات مشترک، وفاداری به همسر و وابستگی‌های عاطفی از موانع خیانت به همسر و ایجاد روابط پنهانی می‌باشد که در این امر زنان از مردان پابندتر و پیش‌قدم‌تر می‌باشند.

۴-۴- فرزندان مشروع و فرزندان بی‌هویت

در اکثر کشورهای غربی مردان مسئولیتی درباره فرزندان که از ارتباط سیاه پدید می‌آید، ندارند و وظیفه زنان است که بچه‌ها را با مسئولیت خود بزرگ کنند، زیرا پدرها به‌سرعت این‌گونه زندگی‌ها را ترک می‌کنند و شریک دیگری انتخاب می‌کنند و به همین دلیل این‌گونه مادران به مادران مجرد (single mom) شهرت دارند؛ یعنی مادرانی که در حالی که فرزند دارند، بدون همسر و مجردند. کمتر هفته‌ای در اروپا و آمریکا می‌گذرد که تلویزیون و مجلات و روزنامه‌ها درباره مشکلات این زنان بحث و جلسه تشکیل ندهند ولی متأسفانه زنان و دختران جامعه ما به این مسائل آگاهی نداشته و حتی درباره آن‌هم تحقیقی نمی‌کنند و صرفاً از آن‌ها تقلید می‌کنند. درصد قابل توجهی از بچه‌های ارتباط سیاه اصلاً پدر خود را نمی‌شناسند و در شناسنامه‌های آن‌ها صرفاً نام مادر ثبت شده است، این در حالی است که در اکثر این کشورها هم‌خانگی و داشتن شریک زندگی بدون ازدواج به رسمیت شناخته شده است و چنین زندگی دارای قبح اجتماعی نیست و به

۱- «وَلَا تَقْرُبُوا الزَّوْجَ إِذَا كَانَ فَا حِشَّةً وَسَاءَ سَبِيلًا» (به زنا نزدیک نشوید، که کار زشت و راه بدی است)؛ سوره نور، آیه ۲: «الزَّوْجِیَّةُ وَ الزَّوْجِیُّ فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَ لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِی دِیْنِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ وَ لُبْسَهُدَّ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِیْنَ» (هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید و نباید رأفت (و محبت کاذب) نسبت به آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید! و باید گروهی از مؤمنان مجازات‌شان را مشاهده کنند).

فرزندانی که با این شرایط متولد می‌شوند، شناسنامه و سند هویت داده می‌شود اما در فرهنگ ایرانی وجود چنین فرزندان نامشروع و غیرقانونی است و چون نمی‌توانند از طرق معمول برای آن‌ها شناسنامه بگیرند دارای هویت اجتماعی نیستند و پدر و مادر این قبیل فرزندان از نظر شرع و قانون زناکار محسوب می‌شوند و حتی افراد نزدیک به این افراد حاضر به پذیرش چنین فرزندان در خانواده خود نیستند. حال باید از این زنان و مردان سؤال کرد، این فرزندان چه گناهی کرده‌اند که باید در شرایطی به دنیا بیایند که هیچ‌کس منتظر آن‌ها نیست و مشکلات روحی، عاطفی، اجتماعی و اعتقادی آینده آن‌ها به‌خصوص وقتی پی می‌برند فرزند روابط نامشروع هستند، به‌عهد کیست؟ دیده شده است که برخی از این فرزندان پس از بزرگ شدن و آشکار شدن چگونگی تولد آن‌ها به یک باره احساس پوچی کرده‌اند و دست به خودکشی زده‌اند؛ به‌خصوص در فرزندان که ارتباط سیاه پدر و مادر به ازدواج نینجامیده و یکدیگر را ترک کرده‌اند؛ در حالی که در ازدواج شرعی و قانونی هم هویت فرزند مشخص است و هم پدر وظیفه پرداخت هزینه‌های بزرگ شدن و رشد و تربیت فرزند را برعهده دارد و هم مادر با مشکلات عدیده روبرو نیست و هم جامعه و خانواده آماده پذیرش فرزندان هستند و هم فرزندان دچار سرخوردگی و بی‌هویتی نمی‌شوند.

۴-۵- صمیمیت و تعهد و خشونت خانگی

عشق و علاقه به همسر، احترام به حقوق شریک زندگی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز از عوامل مهم جلوگیری از خشونت است که این خصوصیات نیک اخلاقی در کسانی که ازدواج رسمی دارند به مراتب بیشتر از افرادی که هم‌خانه هستند، یافت می‌شود. حتی اگر خشونت حاد هم رخ دهد غالباً افراد یا به مراجع قضایی مراجعه نمی‌کنند و یا به‌عنوان دعاوی محلی ضرب و شتم خیابانی مراجعه می‌کنند. عمدتاً افرادی که ازدواج رسمی و قانونی دارند چون به بقای خانواده فکر می‌کنند و حتی زوج‌هایی که در ارتباط سیاه قصد دارند این وضع را به ازدواج رسمی تبدیل کنند و حتی نامزدهایی که باهم زندگی می‌کنند مثل زوج‌هایی که ازدواج رسمی می‌کنند تمایل کمتری به مشاجرات خشونت‌آمیز نشان می‌دهند اما در مقابل زنانی که با مردانی که هیچ تصمیمی برای ازدواج رسمی با آن‌ها ندارند، هم‌خانه می‌شوند تا حد زیادی در معرض خشونت قرار دارند.

۴-۶- استقلال مالی زنان و عدم مسئولیت مردان

بر اساس احکام شرع و قانون مدنی ایران درآمد زن در زندگی مشترک متعلق به خود او می‌باشد (ماده ۱۱۱۸ ق.م) حتی میزان آن جزو حریم خصوصی است که زن می‌تواند به هر شکل ممکن برای آینده خود پس‌انداز و سرمایه‌گذاری کند. در عقدنامه‌ها برای حمایت مالی بیش‌تر از زنان ذکر شده است که «اگر به هر دلیل مرد قصد طلاق زن خود را داشته باشد و تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق و رفتار وی نباشد» زوج موظف است تا نصف دارایی حاصل شده در زندگی مشترک را بلاعوض به زن دهد. پس همان‌طور که آینده و سرنوشت مرد و زنی که با یکدیگر ازدواج رسمی می‌کنند به یکدیگر گره می‌خورد، امورات اقتصادی و اموال آن‌ها نیز به هم گره می‌خورد. از آنجایی که در ازدواج دائم مرد موظف به تهیه مسکن (ماده ۱۱۱۴ ق.م) و پرداخت هزینه خوراک و پوشاک و دیگر ضروریات زندگی مشترک است (مواد ۱۱۰۷ و ۱۱۱۱ ق.م) عملاً زنان می‌توانند اموال خود را برای خود حفظ کنند و به این سبب استقلال مالی بهتری برای خود حاصل کنند، در حالی که در ارتباط سیاه چنین وظیفه‌ای به‌عهده مرد نیست و در اکثر کشورها به دلیل عدم حمایت مالی از سوی مردان، زنان باید سهم خود را در خرید یا اجاره مسکن و نیز مایحتاج زندگی پرداخت کنند؛ لذا زنان در طول ارتباط سیاه پس‌انداز و ثروت کمتری را اندوخته می‌کنند و حتی درآمدهای کسب‌شده از هر دو طرف برای خانواده هزینه یا پس‌انداز نمی‌شود چون خود به ناپایداری چنین وضعی واقف‌اند.

۴-۷- رابطه مالی و محرومیت از ارث فرزندان

یکی از حقوق شرعی و قانونی فرزندان ایجاد رابطه مالی با والدین است که در زمان حیات تا مادامی که به سن بلوغ نرسیده‌اند وظیفه شرعی (سوره بقره، آیه ۲۳۳)^۱ و قانونی (ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی)^۲ پدر است که هزینه‌های زندگی، تحصیلی، درمانی و حتی ازدواج فرزندان به‌ویژه دختران

۱- «علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف». بر صاحب فرزند لازم است که خوراک و لباس مادر را به طور متعارف بپردازد. (علیرضا امینی، سید محمد رضا آیتی، تحریر الروضه فی شرح اللمعه، کتاب النکاح، جلد ۱، صفحه ۳۴۸)

۲- ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی مقرر نموده است: «نفقه اولاد بر عهده پدر است...»

را پردازد و پس از فوت هم فرزند دختر یا پسر به نسبت خود از والدین ارث می‌برد، در حالی که فرزندان که از ارتباط سیاه متولد می‌شوند؛ براساس احکام مقدس شریعت اسلام و نیز از نظر قوانین ایران (ماده ۸۸۴ ق.م) فرزند نامشروعی هستند که از پدر و مادر و اقوام آنان ارث نمی‌برند و این نکته علاوه بر خسارت مالی، خسارت روحی بزرگی به این گونه فرزندان است که حیثیت اجتماعی و شخصیت و هویت این افراد به شدت لکه‌دار می‌شود که ادامه زندگی برای آن‌ها بس دشوار می‌شود.

۴-۸- سلامت روانی و افسردگی

اساساً زنان به دلیل لطافت روحی و احساسات غالب و ایجاد تعلق و وابستگی سریع به جنس مخالف علاقه‌ای به ارتباطات کوتاه‌مدت ندارند. به همین دلیل حتی در غرب که خانواده تقریباً منحل و آزادی روابط وجود دارد اکثر آن‌ها در دوست‌یابی‌ها و یا انتخاب شریک زندگی خود به دنبال ارتباط طولانی‌مدت (long term relationship) هستند. (https://psychcentral.com https://www.psychologytoday.com;) اصل در ازدواج دائمی بودن آن و برای طول عمر است. کسانی که در انتخاب همسر دائمی متناسب و خوب موفق بوده‌اند و تلاش در درک یکدیگر کرده‌اند، پس از مدتی به خوشبختی و آرامش روانی دست پیدا کرده‌اند و در کنار هم احساس خوشبختی می‌کنند و زندگی زناشویی خود را بسیار محکم‌تر و باثبات‌تر از زوج‌هایی می‌بینند که ارتباط سیاه دارند. دلیل عمده آن از نظر روان‌شناسی آن است که وقتی دو طرف حتی تصور کنند که احتمال شکست ارتباط آن‌ها وجود دارد، فشار عصبی سنگینی بر آن‌ها وارد می‌شود و بر روحیه آن‌ها تأثیر بسیار منفی بر جا خواهد گذاشت که سلامت روانی آن‌ها را به مخاطره خواهد انداخت. در مراجعات حضوری این افراد برای مشاوره کاملاً مبرهن است که اکثر این هم‌خانه‌ها رضایت چندانی از این وضع بلا تکلیف و زندگی ناپایدار ندارند و خیلی زود به افسردگی مبتلا خواهند شد.

۴-۹- طلاق و جدایی

مهم‌ترین دلیل زنان و مردان برای تن دادن به ارتباط سیاه این است که طرفین قبل از تصمیم به ازدواج بفهمند آیا از نظر روحی و رفتاری و ویژگی‌های لازم برای همسر متناسب و خوب به اندازه کافی باهم سازگار هستند یا خیر؟ معمولاً همه تصور می‌کنند که باهم زندگی کردن در یک

زندگی آزمایشی به دو طرف نشان می‌دهد که ازدواج آن‌ها به چه شکل می‌تواند باشد و با اطلاعاتی که از خصوصیات یکدیگر به دست می‌آورند، می‌توانند انتخاب درست‌تری داشته باشند. شاید درک این نکته تعجب‌آور باشد که برخلاف باور عموم مردم، درصد طلاق و شکست رابطه در زوج‌هایی که قبل از ازدواج رسمی مدتی را باهم زندگی کرده‌اند بسیار بالاتر است. (روث وستون لیکسیساکو و دیوید دواوس، ۱۳۸۸، ص ۳۶۰) عمده دلیل آن می‌تواند این باشد که اکثر کسانی که ارتباط سفید را اختیار کرده‌اند، دارای مشکلات روحی، اعتقادی و اخلاقی هستند که در شرایط عادی همه آن‌ها از موانع ازدواج هستند. اکثر پسرها که خود ارتباط قبل از ازدواج داشته‌اند اگر بفهمند دختری که به خواستگاری او رفته‌اند، قبلاً با پسری ارتباط داشته است حاضر به ازدواج با او نمی‌شوند و دلیل عمده آن عدم اعتماد به شریک زندگی است و پسرها به صراحت ابراز می‌کنند: از کجا معلوم در زندگی مشترک این اتفاق دوباره رخ ندهد؟ همان‌طور که دختر حاضر شده است با پسری بدون عقد ارتباط برقرار کند، ممکن است دوباره هم این اتفاق رخ دهد. مواردی برای مشاوره مراجعه کرده‌اند که حتی پسرها با خود همین دختر مدت‌ها دوست بوده‌اند و با اصرار همین پسر رابطه جنسی برقرار شده است ولی مع الوصف پسرها به دلیل عدم اعتماد حاضر به ازدواج با این دخترها نیستند و معمولاً این‌گونه پسرها از نظر روحی و اخلاقی در انتخاب همسر زندگی سخت‌گیرترند و به دنبال دخترانی پاک به عنوان شریک زندگی دائمی خود هستند؛ بنابراین مردانی که تن به ازدواج سیاه می‌دهند، معمولاً وفاداری نسبت به طرف خود نداشته و زنان نیز هیچ قطعیتی به آینده خود ندارند و درصد جدا شدن آن‌ها به مراتب بالاتر از آمار طلاق در ازدواج دائم است و تنها فرق آن است که جدا شدن دارای تشریفات طلاق نیست و به سهولت و کم‌ترین هزینه محقق می‌شود.

۵- جایگزین ایده آل

در این قسمت به بررسی جایگزین ایده‌آل برای ارتباط سیاه پرداخته خواهد شد.

۵-۱- ازدواج دائم؛ بهترین گزینه دائمی

بنابر نظر همه کارشناسان اعم از روان‌شناس، مشاوران خانواده، علما و حقوق‌دانان و حتی اکثر دختران و پسرانی که به ارتباط سیاه مبتلا شده‌اند، با دقت و توجه و عنایت به نکات فوق در

صورت وجود شرایط لازم برای زندگی رسمی، یقیناً ازدواج و زندگی مشترک دائمی و تشکیل خانواده سودمندترین و عاقلانه‌ترین راه تأمین نیازهای انسان است که هدف‌های بلند و مهم ازدواج با همدلی و تلاش زن و مرد در آن محقق می‌شود و به تعبیر قرآن کریم: «از نشانه‌های خداوند این‌که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید.» (سوره روم، آیه ۲۱) به روشنی فهم می‌شود آرامش و خوشبختی از عمده اهداف و نتیجه یک ازدواج دائم موفق می‌باشد. تا نیل به چنین هدف مهم با ورزش و خودسازی و دوری از محافل و مکان‌ها و ابزارت تحریک آمیز و نیز با توانمندسازی روانی و نیرومندسازی اراده و جلوگیری از آسیب‌هایی که در اثر آلودگی به رفتارهای خطرناک جنسی پدید می‌آید، می‌شود به‌طور موقت ارضای جنسی را به تأخیر انداخت که امری معقول و موجه خواهد بود. نیاز جنسی مانند همه نیازهای مادی و معنوی انسان، باید از راه صحیح و به‌صورت واقعی ارضا شود و در بلندمدت، جز ازدواج دائم هیچ جایگزین مطمئن دیگری برای آن وجود ندارد.

اما در کوتاه مدت و در صورتی که به هر دلیل شرایط لازم برای تشکیل یک زندگی مشترک دائمی فراهم نباشد مسلماً بی‌بندوباری و بی‌تعهدی و بی‌مسئولیتی راه حل تأمین نیازها نیست بلکه باید برای جلوگیری از ناملازمتی‌های فوق راه منطقی و عقلایی که مورد تأیید شرع و قانون و فرهنگ عامه و عرف می‌باشد را انتخاب کرد. دین مبین اسلام در این شرایط راه حل را ازدواج موقت می‌داند و قانون ایران هم آن را بر همین احکام وضع کرده است که به‌طور مختصر به تفاوت‌های آن با ارتباط سیاه پرداخته می‌شود و هر انسان سالم و اندیشمند بدون حب و بغض می‌تواند به راحتی راه مطلوب، خوب و پسندیده را از راه پرمشقت و نادرست تشخیص دهد.

۵-۲- ازدواج موقت بهترین جایگزین ارتباط سیاه

هر شریعت پویا و هر کشور پیشرفته و هر قانون همه جانبه‌ای باید بتواند برای تأمین نیازهای عاطفی، روحی، جسمی و جنسی جوانان و یا کسانی که نمی‌توانند ازدواج دائم داشته باشند، بهترین راه حل ممکن را با کم‌ترین عوارض منفی ارائه کند. در برابر ارتباط سیاه و هم‌خانگی‌های موقت و بی‌بنیان که مشکل‌زا و پر ریسک می‌باشند و عمدتاً به ارتباط شوم و سیاه ختم می‌شوند، اسلام ازدواج موقت و دوستی‌های کوتاه مدت مشروع را به‌عنوان بهترین جایگزین موقت پیشنهاد می‌کند؛ رابطه‌ای که همه ابعاد آن واقع‌گرایانه، روشن و متعهدانه است. تعجب اینجاست که ازدواج سیاه با این مشکلات عدیده در حالی در جامعه ایران دیده می‌شود که در شرع و قانون راه

حل معقول و حساب شده‌ای به‌عنوان ازدواج موقت از صدر اسلام طراحی و تدوین و تشریح شده است. این حاکی از آن است که دین کامل باید برای همه معضلات اجتماعی راه حل داشته باشد تا افراد جامعه را از ورود به فسادهای اخلاقی و بی‌بندوباری نجات دهد. مسلماً خداوند انسان را با غریزه جنسی و نیازهای عاطفی و روحی خلق کرده است و باید برای تأمین مشروع این نیازها تدبیر کند. ازدواج موقت قانونی مرتقی است که به‌دلیل استفاده نامناسب با واکنش‌های منفی بسیاری همراه شده و آن‌قدر در رسانه‌ها و فیلم‌ها و درباره آن تبلیغ منفی و بد صورت پذیرفته است که متأسفانه در بین برخی از اشخاص قبیح ازدواج موقت از انجام اعمال منافی عفت و ارتباطات نامشروع و زنا بیش‌تر است.

اسلام دین واقع‌گراست و آموزه‌های آن منطبق بر تکوین و نوع خلقت زن و مرد و مطابق با واقعیت‌های ابعاد وجودی و غرایز انسانی طراحی شده است و بر این اساس، به نیاز جنسی نگرشی واقع‌بینانه و حکیمانه دارد. اسلام، نه مانند مسیحیت تحریف شده، رهبانیت را توصیه می‌کند و نه مانند غرب عصیان‌گر، آزادی جنسی را به رسمیت می‌شناسد. طبیعی است در جوامع انسانی ممکن است برای همه مردان و زنان شرایط ازدواج دائم و تشکیل خانواده مهیا نشود، علاوه بر آن که زن‌ها به‌واسطه جنگ‌ها و تصادفات و حوادث، مردان خود را از دست می‌دهند، در حالی که نیاز به همدم و تأمین غرایز جنسی و روحی حق مسلم آن‌ها است. اگر نگاه عمیق‌تر به دستورات و احکام ازدواج موقت داشته باشیم، ازدواج موقت برای خوش‌گذرانی و عیش و نوش مردان وضع نشده است بلکه عمدتاً ازدواج موقت قانونی برای رعایت حقوق زنان و پاسخ به نیازهای این قشر مهم از جامعه است، به دلیل این که اگر ازدواج موقت حرام می‌شد و مردان صرفاً دختران جوان و باکره را برای همسری دائم خود اختیار می‌کردند، در این بین اکثر زنان مطلقه و یا شوهر از دست داده و یا حتی دختران سن بالا مورد توجه مردان قرار نمی‌گرفتند و برای همیشه می‌بایست از حق همسر داشتن حتی موقت و لذا یذ جنسی محروم باشند و این ظلم بزرگی به حقوق زنان محسوب می‌شد. در غرب به دلیل آزادی روابط جنسی و تنوع‌طلبی اکثر مردان، دختران کم سن و سال بیش‌تر مورد توجه مردان واقع می‌شوند و عملاً زنان بالای ۳۵ سال شانس کمتری برای ازدواج و حتی ارتباطات طولانی‌مدت را دارا می‌باشند و از این حیث خسارات روحی زیادی به آن‌ها وارد می‌شود؛ ولی مخالفان ازدواج موقت به‌جای این که راهکار مناسب و مؤثری را پیشنهاد کنند؛ تا اندازه‌ای به

تخریب این نهاد مقدس می‌پردازند که قبح انجام آن را در فرهنگ عمومی مردم از ارتباطات گناه‌آلود و جرم زنا بیش‌تر نشان می‌دهند.

در ذیل چند فرق اساسی و کلیدی مهم دیگر نیز که به وزانت و صلابت ازدواج موقت می‌افزاید، اشاره خواهد شد.

۶- دلایل برتری ازدواج موقت از ارتباط سیاه

در این قسمت عمده دلایل برتری ازدواج موقت از ارتباط سیاه برشمرده می‌شود.

۶-۱- مدت معین

بر اساس ماده ۱۰۷۶ قانون مدنی مدت در نکاح منقطع باید کاملاً معین باشد. از نظر روحی و روانی فکر موقت بودن یک رابطه عاطفی به‌خصوص برای زنان آزاردهنده است، چون زن وقتی وارد رابطه‌ای با مرد می‌شود، فقط جسم را در اختیار آن مرد قرار نمی‌دهد، روح را هم می‌گذارد. در صورتی که مردها این‌طور نیستند. اگر رابطه به شکل خوبی تمام شود، حس خوبی برای طرفین باقی می‌ماند و حتی ممکن است بعد از اتمام رابطه به‌عنوان دوست به همدیگر مهربانی و کمک داشته باشند و حتی پشتیبان یکدیگر باشند. این یعنی زن و مرد تنها جسم خود را با یکدیگر به اشتراک نگذاشته‌اند؛ بلکه به روح یکدیگر هم اهمیت داده‌اند. ولی اگر رابطه بد تمام شود، زن‌ها در ازای در اختیار گذاشتن جسم و روح خود چیزی به دست نیاورده‌اند و این بسیار آزاردهنده و خسارت‌بار است که تا مدت‌ها جبران نخواهد شد.

معین بودن مدت ازدواج امتیاز ویژه ازدواج موقت در مقابل ارتباط سیاه است؛ زیرا در این ارتباط زن و مرد از ابتدا برای موقت و زمان مشخص برنامه‌ریزی می‌کنند که اگر از کنار هم بودن لذت کافی و رضایت و آرامش خاطر داشتند، می‌توانند مدت را تمدید کنند و اگر هم از یکدیگر راضی نبودند یا مدت تمام می‌شود و هر دو از این رابطه رها می‌شوند و یا بذل مدت صورت می‌پذیرد، به این معنی که مرد می‌تواند قبل از پایان مدت از بقیه زمان صرف‌نظر کرده و رابطه زوجیت را به پایان برساند. (محمد حسن نجفی، بی‌تا، ج ۳۰/ص ۱۶۶) در هر صورت چون هر دو می‌دانند موقت است، اجازه نمی‌دهند که آن‌چنان به یکدیگر وابسته شوند که پس از اتمام زمان آسیب‌های روحی غیرقابل جبران ببینند. در حالی که در ارتباط سفید اساس بر موقت بودن زمان هم‌خانگی نیست. خصوصاً دخترها اکثراً با این امید که این رابطه به ازدواج دائم ختم می‌شود،

آن‌ها شروع می‌کنند اما چون معمولاً این امر محقق نمی‌شود، ضربات روحی شدیدی به دخترها وارد می‌شود و آثار بسیار آزاردهنده‌ای از این رابطه باقی می‌ماند.

۶-۲- مهریه

یکی دیگر از ویژگی‌ها و حقوق اساسی برای زنان در ازدواج، به‌ویژه ازدواج موقت قرار دادن مهریه است. هر چند عده‌ای غرب‌زده کوشیده‌اند که مهریه را بهای مرد در مقابل کسب تمتع و لذت‌جویی از زن جلوه دهند ولی شریعت اسلام و قانون ایران که منطبق بر روان‌شناسی زنان است این‌طور فکر نمی‌کند بلکه قائل است جنس لطیف در همیشه تاریخ مطلوب و مردان طالب او بوده‌اند، لذا بر پایه احترام و تکریم به زن و اظهار رغبت و مودت شوهر نسبت به زن و احساس و باور به جدیت موضوع ازدواج بر مرد، واجب است هدیه‌ای خالصانه به‌عنوان نحله و مهریه به زن عطا کند و هیچ عقل سلیمی این هدیه و هبه را به‌عنوان قیمت و بهای زن تلقی نمی‌کند. لذا قرآن کریم به‌صراحت می‌فرماید: «این مال نحله و هدیه از جانب مرد برای کسب رضایت زن و دلیلی بر خواهان بودن جدی مرد است.» (سوره نسا، آیه ۴) علاوه بر این که در هر ازدواج چه دائم و چه موقت بر زن خسارات جسمی و به‌ویژه روحی و عاطفی وارد می‌شود که در هنگام جدایی حقیقتاً با هیچ چیز قابل جبران نیست و مهریه صرفاً برخی از خسارات مادی و جسمی وارد بر زن را جبران می‌کند و چون این موضوع در ازدواج موقت بیش‌تر است، مطابق ماده ۱۰۹۵ قانون مدنی وجود مهریه در ازدواج موقت امری ضروری و لازم است و نبود مهریه موجب بطلان عقد است (شهید ثانی، ۱۳۸۳، ص ۳۳۵؛ المحقق‌الحلی، ۱۴۱۶، ص ۲۸۹) و حتی اگر قبل از ایجاد ارتباط جنسی به هر دلیل مرد مدت نکاح موقت را ببخشد و به عقد خاتمه دهد طبق ماده ۱۰۹۷ قانون مدنی مرد باید نصف مهر را به زن بدهد. درحالی که ازدواج دائم در صورتی که بدون مهر منعقد شود، باطل نیست و در صورت ایجاد ارتباط جنسی و یا جدایی، مرد موظف به پرداخت مهرالمثل به زن می‌باشد. حتی براساس ماده ۱۰۹۳ قانون مدنی اگر مرد بدون تعیین مهر و قبل از ایجاد ارتباط جنسی زن را طلاق دهد، زن مستحق مهرالمتعه است؛ لذا اسلام پشتیبانی مالی از زن را بر مرد به‌واسطه مهریه و نفقه واجب کرده است، هر چند مردان به میزان عشق و محبت خود به همسر، می‌توانند علاوه بر مهریه به هرا اندازه که دوست داشته باشد به همسر موقت پول یا هدیه بدهند و برای او خرج کنند. در دوستی‌های رایج هم غالباً مردان برای زنان خرج می‌کنند و چیزهایی به‌عنوان هدیه، برای آنان

خریداری می‌کنند. این موضوع در ارتباط سیاه وجود ندارد و حتی اگر رابطه به ازدواج ختم نشود معمولاً هیچ مردی حاضر نیست از باب احترام به زن مبالغی را برای جبران خسارات مادی و جسمی به زن بدهد و این خسارات مادی و روحی زمانی غیرقابل جبران و زیان‌بار می‌شود که دختران در سایه ارتباط سیاه بکارت خود را از دست بدهند که در این صورت هم منزلت اجتماعی خود را از دست می‌دهند و هم پایگاه و حمایت مالی ندارند. تفاوت اساسی دیگر این است که مهریه در ازدواج موقت با انگیزه مشروع و روشن داده می‌شود؛ ولی در دوستی‌ها و هم‌خانگی‌ها، اغلب از پول به‌عنوان عاملی برای فریب دختر یا زن بهره می‌برند. پول‌ها و هدایایی که با انگیزه فریب‌کاری هزینه می‌شود، نه تنها با رضایت قلبی مرد همراه نیست؛ بلکه اساساً در اصل مشروعیت آن نیز تردید جدی وجود دارد. حتی در برخی موارد در این‌گونه ارتباطات سبب و یا بهانه سوءاستفاده و اخاذی هم شده و می‌شود. اتفاقاً امتیاز منحصر به فرد ازدواج موقت، نسبت به دوستی‌ها و هم‌باشی‌های رایج این است که در ازدواج موقت، انگیزه‌های طرفین، اغلب روشن و صریح است و کم‌تر موردی برای فریب‌کاری وجود دارد.

۶-۳- تأمین مشروع نیاز جنسی

همان‌گونه که انسان نیازمند تأمین غریزه جنسی است، نیاز به حفظ کرامت انسانی خود دارد؛ زیرا انسان موجودی شریف، محترم و باکرامت است و حفظ کرامت ذاتی او باید در همه تصمیم‌ها، اهداف، کنش‌ها و واکنش‌های او مورد توجه قرار گیرد. انسان همانند حیوان نیست که تنها به ارضای نیازهای خود بی‌اندیشد و هیچ ارزش دیگری جز رفع کردن تنش‌های زیستی برای او اهمیت نداشته باشد. انسان فطرتاً حق دارد که همه نیازهای مادی خود را بشناسد و برای تأمین و ارضای آن تلاش کند؛ اما همه اقدام‌های او باید در چارچوبی قرار گیرد و به گونه‌ای انجام شود که کرامت او را خدشه‌دار نکند. در حدیث پرجی از امام صادق (ع) چنین آمده است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَلَمْ يُفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا» (محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶/ص ۱۵۶) یعنی (خداوند همه امور مؤمن را به خودش واگذار کرده (که هر گونه‌ای بخواهد رفتار کند) مگر این نکته را که بخواهد خوار و بی‌مقدار باشد!) از این رو هیچ انسانی حق ندارد، کرامت و حرمت خود را زیر پا بگذارد و خود را ذلیل و بی‌مقدار گرداند. ارضای نیاز جنسی به گونه‌ای که در شان انسان باشد و به شخصیت و عزت فردی و اجتماعی او آسیب نزند؛ بلکه بالندگی و رشد مادی و معنوی او را فراهم کند، حق هر انسانی است. تلقی نیاز

جنسی، به‌عنوان نیازی بدنی و نهایتاً روان‌شناختی، تلقی نادرست و ساده‌لوحانه‌ای است. کسانی که تصور می‌کنند زن یا مرد به هر شیوه ممکن می‌تواند و سودمند است که نیاز جنسی خود را ارضا کند، تصویری ابلهانه و کاملاً حیوانی از نیاز جنسی دارند. شکی نیست که نیاز جنسی در مرد و زن، نیازی قوی و گاه سرکش است و چاره‌ای جز تأمین آن از راهی که به کرامت زن و مرد آسیب نرساند، وجود ندارد. لذا جهان امروز این مسئله را به‌خوبی فهمیده است؛ اما به بدترین و نکوهیده‌ترین وجه، یعنی الگوی آزادی جنسی، به آن پاسخ می‌دهد. فقه اسلام، ازدواج دائم و موقت را پیشنهاد کرده است. ازدواج، چه موقت و چه دائم، رابطه‌ای شفاف، متعهدانه و قانونمند است؛ اما در کشورهای غربی و غرب‌زده، برای پاسخ به نیاز جنسی، ازدواج موقت و تعدد زوجات را ممنوع کرده و آزادی جنسی و دوستی‌های بی‌ضابطه و هم‌خانگی‌های بی‌بنیان را مبنای عمل قرار داده‌اند. در غرب و دیدگاه تابعین غربی و روشنفکران فمینیست و شبه فمینیست وطنی، نه تنها زن مورد تکریم و احترام نیست بلکه زشت‌ترین و تحقیرکننده‌ترین رفتارها را متحمل می‌شود و این نکته شهره جهانی دارد که در اغلب مجلات و سایت‌ها برای کسب درآمد بیش‌تر از زیبایی‌های اندامی زنان به‌عنوان ابزار و عامل قوی درآمد روزانه استفاده می‌شود. در حالی که در شریعت الهی اسلام نیاز جنسی، تنها و تنها در مواجهه‌ای انسانی و مبتنی بر صمیمیت، احترام، دوست داشتن و اخلاق به ارضای مطلوب نزدیک می‌شود؛ این رابطه انسانی در قالب ازدواج دائم و تشکیل خانواده و یا ازدواج موقت با حفظ کرامت انسانی تحقق می‌یابد. تجارب انبوه و بلندمدت نسل‌های متوالی بشر، این نظریه را تأیید می‌کند که ازدواج دائم و تشکیل خانواده، بهترین و سودمندترین شیوه ارضای نیاز جنسی است ولی اگر ممکن نبود ازدواج موقت بهترین جایگزین است که از نگاه شرع و قانون رابطه‌ای مشروع، شفاف و متعهدانه است و می‌تواند زمینه مناسبی برای شکل‌گیری ازدواج دائم باشد. در حالت واقع‌بینانه زن و مردی، در چارچوب شرع و قانونی و هنجارهای عقلانی و عرفی در کنار هم به‌قصد ازدواج موقت قرار گرفته‌اند که ممکن است پس از ازدواج و آشنایی چند ماهه یا چند ساله بتوانند یکدیگر را با شناخت بیش‌تری که از همدیگر پیدا کرده‌اند، برای زندگی دائم و طولانی‌مدت انتخاب کنند. در حالی که دوستی بی‌چارچوب زن و مرد، به‌خصوص در فرهنگ ایرانی و اسلامی، نوعی بدبینی و بی‌اعتمادی پنهان را در ذهن دو طرف، خصوصاً مردان ایجاد می‌کند و به‌صورت جدی مانع شکل‌گیری ازدواج دائم است. چنین

دوستی‌هایی اگر هم به ازدواج ختم شود، اغلب با نگرانی، بی‌اعتمادی، بدبینی و نارضایتی همراه است و تصویر پایان امیدوارکننده‌ای برای آن دشوار به نظر می‌رسد.

۶-۴- هویت بخشیدن به فرزندان

برخی از روابط دخترها و پسرها و نیز تقریباً همه کسانی که در رابطه سیاه هستند براساس مصاحبه‌های آن‌ها به رابطه جنسی منجر شده است و برخی از این افراد خواسته و یا ناخواسته باردار شده‌اند. مسئله بارداری به‌ویژه حاملگی‌های ناخواسته و نیز دوران دوستی‌های نامشروع، مسئله‌ای است که هرگز نمی‌توان آن را نادیده گرفت و هیچ زن و مردی را به خاطر فرزنددار شدن نمی‌توان سرزنش کرد اما در حقیقت سرزنش برای جایی است که خود زن و مرد به‌عنوان پدر و مادر و نیز وابستگان نسبی و جامعه آماده پذیرش این فرزندان نباشند. کسانی که در ارتباط نامشروع و سیاه به‌سر می‌برند باید به این سؤال مهم پاسخ دهند که اگر از رابطه گناه‌آلود و نامشروع، بارداری ناخواسته‌ای اتفاق افتد که متأسفانه شمار آن هم کم نیست، تکلیف بچه‌های ناخواسته نامشروع چه می‌شود؟ برخی از این افراد برای نابودی این فرزندان بی‌گناه به کورتاژ و قتل جنین پناه می‌برند. برخی دیگر برای رهایی از این ننگ، این فرزندان را پس از تولد در سکوهای مترو، پشت در خانه‌های مردم، سطل‌های زباله شهرداری و نظایر آن رها می‌کنند و برخی دیگر با اراده خود و یا اجبار این فرزندان را حفظ می‌کنند. در هر سه طریق فشارهای عصبی و خسارات جسمی و روحی جبران‌ناپذیری به این افراد به‌ویژه زنان و دختران وارد می‌آید که تا پایان عمر با عذاب وجدان و ترس و دلهره به‌سر می‌برند. بدتر از این آن است که این فرزندان به دلیل نامشروع بودن همان‌طور که در مسائل فوق گفته شد از والدین خود ارث نمی‌برند علاوه بر آن که به همین دلیل این فرزندان بی‌هویت و سرگردان‌اند و برخی از این افراد با خودکشی به زندگی خود پایان می‌دهند؛ اما در ازدواج موقت، تکلیف بچه‌ها از همان ابتدا از لحاظ نسب، احترام و نحوه ارتباط با افراد نسبی و سببی، کاملاً روشن و شفاف است و مانند دیگر بچه‌های ناشی ازدواج دائم، منتسب به آن‌هاست و پدر باید مانند دیگر فرزندان از کودک خود مراقبت کند و در تربیت آن کوشا باشد و هویت فرزند و انتساب آن‌ها به والدین شرعی و قانونی خود کاملاً معلوم است.

۶-۵- نفقه

فرق اساسی ازدواج موقت با هم‌خانه شدن حق نفقه برای زنان و فرزندان است که از رابطه مشروع پدید می‌آیند. طبق ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی ایران نفقه عبارت است از: «مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل که به‌طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به‌واسطه مرض یا نقصان اعضا» از این ماده حقوقدانان^۱ (سید حسین صفایی و اسدالله امامی، ۱۳۷۴، ص ۳۹۳) و (ناصر کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۱۸۷) فهم می‌کنند که همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن حتی هزینه‌های درمانی و بهداشتی و هر آنچه را به‌صورت عادت یا احتیاج لازمه زندگی وی باشد را مانند مسکن، لباس، خوراک و پوشاک شامل می‌شود. طبق ماده ۱۱۰۶ و ۱۱۰۹ قانون مدنی مرد در ازدواج دائم موظف است به‌شرط تمکین زن، نفقه وی را به‌عنوان حق مسلم وی پرداخت کند؛ اما در عقد موقت چون ممکن است زوجین با یکدیگر زیر یک سقف زندگی نکنند، دادن نفقه وظیفه شرعی و قانونی مرد نیست اما براساس ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی در صورتی که در ضمن عقد، نفقه شرط شود یا زن و مرد بین خود قرارداد کرده و هر دو راضی به پرداخت نفقه باشند و یا عرفاً عقد موقت مبتنی بر نفقه منعقد شده باشد بر مرد پرداخت آن لازم و ضروری است. طبق ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه زن می‌تواند به دادگاه مراجعه کرده و دادخواست دریافت نفقه بدهد؛ بنابراین نفقه حمایت مالی از زن است و در صورت عدم پرداخت آن زن ممکن است دچار عسر و حرج شده و حتی به فساد بیفتد، به این دلیل قانون این حق را به زن داده است که طبق ماده‌ی ۱۱۲۹ قانون مدنی در صورتی که شوهر پس از شکایت زن از دادن نفقه خودداری کرد، دادگاه در صورت عدم پرداخت ابتدا اجبار به پرداخت و بعد توقیف اموال شوهر و سپس زندان را برای مرد در نظر گرفته است. جالب این است که ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی بیان کرده است که زن مستقلاً می‌تواند در داریی خود هر تصرفی را که می‌خواهد، بکند. زن می‌تواند از مالی که به وی به ارث رسیده یا از شغل مستقل خود به دست آورده است هر طوری که می‌خواهد استفاده کند و حتی در صورت ثروتمند بودن زن و

۱- بعضی معتقدند: «چیزی که برای گذران زندگی لازم و مورد نیاز باشد». (سید حسین صفایی و اسدالله امامی، ۱۳۷۴، ص ۳۹۳) برخی دیگر در تعریف جامع‌تری چنین آوردند: «نفقه تمام وسایلی است که زن، با توجه به درجه تمدن و محیط زندگی و وضع جسمی و روحی خود، بدان نیازمند است». (ناصر کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۱۸۷)

فقیر بودن شوهر بازم شوهر از پرداخت نفقه معاف نخواهد بود. علاوه بر آن براساس ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی، پرداخت و تامین نفقه اولادی که از ازدواج موقت به دنیا می‌آید به عهده پدر است و در صورتی که پدر فوت کرده باشد یا قادر به پرداخت نفقه فرزندان نباشد، پرداخت نفقه برعهده پدر بزرگ خواهد بود و در صورتی که جد پدری هم زنده نباشد یا نتواند نفقه را پردازد، تامین هزینه‌ها برعهده مادر خواهد بود هم‌چنین در صورتی که مادر هم نباشد یا خود مشکلات معیشتی داشته باشد، تامین هزینه‌ها برعهده اجداد پدری و اجداد مادر یعنی مادر بزرگ پدری یا مادر بزرگ مادری خواهد بود. این نکته امتیاز بسیار مهم ازدواج موقت نسبت به هم‌خانگی‌هاست که در غرب معمولاً هیچ مردی مسئولیت امور این‌گونه فرزندان را به‌دوش نمی‌کشد و زن‌ها با یک یا چند بچه به حال خود رها می‌شوند و مردها به ارتباط دیگر می‌پردازند و زن‌ها باید از این بچه‌ها با مشکلات فراوان مراقبت کنند و به هر شکل ممکن هزینه‌های فرزندان را پردازند. در ایران نیز آمارها و مصاحبه‌ها حاکی از آن است که نوعاً مردها این زن‌ها را رها می‌کنند و بچه‌ها عمدتاً با مسئولیت مادر، بزرگ می‌شوند و اگر مردان از پرداخت هزینه‌ها خودداری کنند، زن‌ها به دلیل نداشتن رابطه مشروع و تولد شرعی و قانونی جرأت مراجعه به دادگاه را ندارند درحالی که در ازدواج موقت در قانون پیش‌بینی شده است که اگر پدری با داشتن امکانات مالی از پرداخت نفقه فرزندان خودداری کند، این مسئله بار کیفری دارد (ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی) و فرزندان یا فردی که مسئولیت سرپرستی و نگهداری فرزندان را برعهده دارد، می‌تواند علیه او در این خصوص به دادگاه شکایت کند. اگر پدر دارای اموالی باشد اما از پرداخت نفقه به فرزندان خود امتناع کند، آن‌ها می‌توانند با ارائه دادخواست به دادگاه و دریافت رأی قطعی به میزان نفقه تعیین شده، اموال و دارایی پدر را به نفع خود توقیف کنند. پسران تا ۱۸ سالگی و تا زمانی که در خانه پدر خود تحصیل می‌کنند، حتی در صورت جدا نشدن پدر و مادر از هم می‌توانند دادخواست نفقه فرزند ارائه کنند و دختران تا زمان ازدواج می‌توانند، تقاضای نفقه گذشته را داشته باشند.

۶-۶- عده

طبق فقه اسلامی با صدور حکم طلاق در ازدواج دائم و با بذل یا انقضای مدت در ازدواج موقت، زندگی زناشویی به پایان می‌رسد. در شرایطی که بین آن‌ها رابطه زناشویی برقرار شده است، زن موظف است تا مدتی بعد از طلاق یا فوت همسر یا بذل مدت و اتمام زمان عقد موقت، از ازدواج مجدد خودداری کند که این مدت در اصطلاح، عده نامیده می‌شود. پس در دیدگاه

فقهی عده به معنای زمان معینی است که در آن زمان زن باید برای کسب اطمینان از بارداری و تعیین تکلیف فرزندان احتمالی صبر نماید. عده به منظور صیانت نسب و جلوگیری از آمیخته شدن آن‌ها با یکدیگر تشریح شده است. (زین‌الدین بن علی شهید ثانی، بی‌تا، ج ۹/ص ۲۱۳؛ سید مصطفی محقق داماد، ۱۳۸۴، ص ۴۴۳) هم‌چنین ماده ۱۱۵۰ قانون مدنی می‌گوید عده عبارت است از مدتی که تا انقضای آن زنی که نکاح او منحل شده است، نمی‌تواند شوهر دیگر اختیار کند، اعم از این که علت جدایی طلاق، فسخ نکاح، موت، بذل مدت یا انقضای آن باشد. مسلماً افرادی که پابندی اعتقادی دارند بر این باورند که از لحاظ شرعی و حقوقی، وجود عده موجب می‌شود که زن، تن به رفتارهای سخیفی مانند صیغه شدن‌های مکرر و پی‌درپی ندهد و مرد هم به سبب تعهدها و الزامات حقوقی، شرعی و اخلاقی به هرزگی و هوس‌بازی گرفتار نیاید. حال زنی که به هر علت، بخواهد کرامت خود را زیر پا بگذارد و در شبانه‌روز با مردان متعددی رابطه جنسی برقرار کند، منتظر الگوی ازدواج موقت نمی‌ماند. تجربه نشان داده است اگر از راه غیر مشروع به این کار دست زند، هرزگی و بی‌بندوباری آرام‌آرام به همه جنبه‌های اخلاقی و دینی او سرایت کرده و او را به شخصیتی هرزه و آلوده تبدیل می‌کند و احساس خواری، حقارت و گناه، همه ظرفیت‌های مثبت وجود او را از بین می‌برد. این موضوع در حقوق ایران آن‌قدر مهم است که طبق اصلاح ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی، زن می‌تواند در ایام عده، نفقه خود را مطالبه کند. این در حالی است که در ارتباط سفید و یا هم‌خانه‌ها همان‌طور که پابندی به شرع و قانون ندارند به حفظ عده هم نداشتند و مکرر دیده شده است که برخی زنان از یک رابطه به رابطه دیگری وارد شده‌اند و یا هم‌زمان با چند مرد در ارتباط بوده‌اند که در حاملگی‌های ناخواسته، خود زن هم نمی‌داند این فرزند از آن کدامین هم‌خواه است و نسب فرزند امری مجهول می‌شود که پس از بزرگ شدن فردی بی‌هویت و تهی از اعتماد به نفس است که از حق داشتن پدر واقعی محروم شده است.

۷- مخاطبین ازدواج موقت

به‌طور طبیعی باید شریعت اسلام و قوانین پویا هر کشور برای همه آحاد جامعه اعم از زن و مرد با هر ردیف سنی جوابگو باشد. لذا هر فرد نیازمند به ازدواج موقت با هر شرط سنی در صورتی که مانعی نداشته باشد، می‌تواند مخاطب ازدواج موقت واقع شود. ولی به‌طور حتم ازدواج موقت برای خوش‌گذرانی و شهوت‌پرستی معدودی از افراد جامعه چه زن یا مرد وضع نشده است،

بلکه برای رعایت حقوق مردان و به‌ویژه زنانی وضع شده است که امکان انجام ازدواج دائم را ندارند. به همین دلیل برخی از آحاد جامعه نیاز بیشتری به ازدواج موقت دارند که ذیلاً به آن اشاره می‌شود:

۱- زنانی که به سبب طلاق و یا مرگ همسر در دوران جوانی تنها مانده‌اند و امکان مجدد ازدواج دائم برای آن‌ها فراهم نیست و یا باید زمان زیادی را برای تحقق آن در انتظار باشند. مسلماً این زنان پس از طلاق برای جلوگیری از افسردگی و پوشش آزرده‌گی‌های روحی و عاطفی به همدم و سامان‌دهی نیازهای جنسی و عاطفی نیاز بیشتری دارند.

۲- مردان و یا زنانی که به‌واسطه طلاق و فوت همسر با وجود داشتن فرزند تنها مانده‌اند و فرزندان پذیرش فرد دیگری به‌جای مادر یا پدر خود را ندارند، در حالی که نیاز جنسی آن‌ها قابل‌انکار و سرکوب نیست و در بسیاری از مواقع ازدواج مجدد آن‌ها مشکلات بیش‌تری را برای آن‌ها به ارمغان می‌آورد و از طرف دیگر یک مرد مجرد کم‌تر تمایل به ازدواج با زنی دارد که هم از او بزرگ‌تر و هم دارای چند فرزند است؛ همان‌طور که اکثر زنان مجرد نیز تمایلی به ازدواج با مرد دارای فرزند و یا جوان‌تر از خود ندارند؛ اما داشتن رابطه مشروعی که آن‌ها را از حمایت عاطفی یکدیگر برخوردار کند و به زندگی یکنواخت آنان رنگ و جلای تازه‌ای ببخشد تا آن‌جا که به آزار کسی منجر نشود بسیار انسانی و معقول است.

۳- پس‌رانی که به دلیل نداشتن شغل و درآمد یا تحصیل و یا مراقبت از پدر و مادر مسن و یا هر دلیل دیگر شرایط ازدواج دائم را ندارند، برای حفظ کرامت نفس خود و دوری از گناه و افتادن در دام روابط نامشروع برای سامان‌دهی نیازهای جنسی و حتی عاطفی خود به ازدواج موقت نیاز بیش‌تری دارند.

۴- برخی از دخترانی که به هر دلیل خواستگار مناسب نداشتند و یا به دلیل شرایط حاکم بر خانواده آن‌ها، از ازدواج دائم بازمانده‌اند و اقبال کم‌تری برای ازدواج دارند ولی در عین حال به همدم و مرد مناسبی که نیازهای روحی و جنسی اینان را تأمین کند، نیازمندند. ازدواج موقت راه مناسبی است مشروط بر آن‌که خانواده قدرت درک شرایط دختر خود را داشته باشند.

۵- مردانی که با وجود داشتن همسر دائم، به سبب وجود پاره‌ای از موانع، مانند بیماری‌های صعب‌العلاج و یا سردمزاجی همسر و نظایر این‌ها نتوانند نیاز جنسی خود را به‌صورت کامل و رضایت‌بخشی تأمین کنند.

۶- مردان و زنان مسنی که فارغ از نیاز جنسی، داشتن همدم و یا پرستار و مراقب برای آنها ضروری است و کمتر کسی حاضر به ازدواج دائم با آنها است ولی در قالب ازدواج موقت نیاز آنها به خوبی تأمین می‌شود.

نتیجه‌گیری

نتایج مباحث فوق در چند جمله به شرح ذیل خلاصه می‌گردد:

۱- از نظر عقلی و منطقی بر ما لازم است که در هر انتخاب مهم زندگی، پیامدها و نتایج منفی و مثبت و جوانب آشکار و پنهان آن را با درایت و تدبیر و مشاوره و استفاده از تجربه راه رفتگان و بزرگان دینی و اجتماعی رسیدگی دقیق کرده تا در انتخاب دچار سرگردانی، سرخوردگی و اشتباه نشد. داشتن شریک زندگی و نیاز به جنس مخالف و انتخاب چگونگی چنین ارتباطی در قالب ارتباط سفید و یا ازدواج دائم و یا موقت از جمله انتخاب‌های مهم هر دختر و پسر می‌باشد.

۲- قابل‌انکار نیست در هر کشوری از جمله ایران مصادیق فوق به‌وفور وجود دارد و لاجرم جامعه و خانواده‌ها و آحاد مردم به‌نوعی با این مسائل روبرو می‌شوند و باید انتخابی مناسب با لحاظ شرع و قانون و عرف انجام دهند. آمار بالای طلاق در ایران و انکارناپذیری ناتوانی اکثر انسان‌ها به‌ویژه جوانان در مهار زبانه‌های نیاز جنسی، راهکاری را طلب می‌کند که هم به نیاز جنسی طبیعی افراد در چارچوبی روشن و مشروع پاسخ داده شود و هم از غلتیدن آنها در ابتذال، هرزگی و خیانت و آسیب‌های پردردسر اجتماعی جلوگیری کند.

۳- ارتباط سفید برای جامعه و زنان و مردان به‌ویژه دختران عوارض و خسارات روحی، روانی، اجتماعی و خانوادگی تلخ و جبران‌ناپذیری را به همراه دارد که هر انسان با انصاف و متفکری می‌پذیرد که راه حل مناسب برای این اشخاص هم‌خانگی و یا ارتباطات نامشروع و بی‌ضابطه نیست.

۴- بهترین جایگزین و مطمئن‌ترین راه برای نیل به آرامش و تأمین نیازهای روحی، عاطفی و جنسی برای جوانان ازدواج دائم است که هم مورد تأکید شرع مقدس و هم مطلوب همه جوامع بشری است.

۵- در صورت عدم امکان تحقق ازدواج دائم و نیاز مبرم و غیرقابل‌انکار جوانان به داشتن همدم و فردی برای تأمین خواسته‌های روحی، عاطفی و جنسی با شرایط اختصاصی هر فرد

برقراری روابط مشروع و قانونی در قالب ازدواج موقت تنها راه معقول و پسندیده شرعی، قانونی و عرفی است که هم پیامدهای منفی و ویرانگر ارتباط سفید را ندارد و هم دختر و پسر می‌توانند از امتیازات و برجستگی‌های شرعی و قانونی و عرفی ازدواج موقت بهره ببرند.

۶- ما به همان میزان که به حفظ هویت، شخصیت و موقعیت اجتماعی خویش می‌اندیشیم و براساس قاعده حفظ کرامت انسانی لازم است حرمت خود را زیر پا نگذاشته و خود را دلیل بی‌مقدار نگردانیم، به همان میزان لازم است به فرزندانمان که ثمره زندگی و میوه عمر و پاره‌ای از وجود ما هستند، بی‌اندیشیم که در جامعه دارای هویت با ارزش و مشروع و شخصیت والا و اعتمادبه‌نفس بالا و والدینی شناخته‌شده و محبوب باشند که این مهم به‌هیچ‌وجه در ارتباط سفید محقق نخواهد شد و صرفاً در چارچوب نهاد مقدس و با ارزش دینی و قانونی ازدواج دائم یا موقت محقق می‌گردد.

فهرست منابع

● کتاب‌ها

الف - فارسی

قرآن کریم.

امینی، علیرضا و آیتی، سید محمد رضا، (بی‌تا)، **تحریر الروضه فی شرح اللمعه**، (کتاب النکاح)، جلد ۱، تهران، سمت.

حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۸۶)، **وسائل الشیعه**، جلد ۱۶، تهران، کتابچی.

دیلمی، حسن بن ابی الحسن، (۱۴۱۲)، **ارشاد القلوب**، جلد ۱، قم، رضی.

شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، (بی‌تا)، **الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه**، محقق: محمد کلاتر، جلد ۹، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.

صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله، (۱۴۱۶)، **حقوق خانواده**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۸)، **حقوق مدنی خانواده**، تهران، بهمن برنا.

کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۷۵)، **اصول کافی**، ترجمه و شرح: محمدباقر کمره‌ای، جلد ۳، قم، اسوه.

محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۴)، **بررسی فقهی حقوق خانواده - نکاح و انحلال آن**، تهران، مرکز نشر علوم انسانی.

مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۸)، **از جنبش تا نظریه اجتماعی (تاریخ دو قرن فمینیسم)**، تهران، شیرازه.

نجفی، محمد حسن، (بی‌تا)، **جواهر الکلام**، المحقق: الشیخ محمود القوچانی، ج ۳۰، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

● مقالات

- لیکسیا کو، روث وستون و دواوس، دیوید، (۱۳۸۸)، **تاثیر زندگی مشترک پیش از ازدواج بر فروپاشی ازدواج**، مترجم: علی گلمحمدی، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۵، صفحات ۳۶۰ تا ۳۷۵.
- مروئه وامقی، خدایی اردکانی، محمد رضا، سجادی، حمیرا، (۱۳۸۷)، **خسونت خانگی در ایران - مرور مطالعات**، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۵۰، صفحات ۳۷ تا ۷۰.
- نانسی ال. کوهن، (۱۳۹۱)، **چگونه انقلاب جنسی، جامعه آمریکا را برای همیشه دگرگون کرد؟**، مترجم: ابوالفضل ایمانی راغب، ماهنامه سیاحت غرب از انتشارات مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی، شماره ۱۰۵، صفحات ۳۴ تا ۵۳.

● قوانین و مقررات

- قانون حمایت از خانواده، مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۰۱.
- قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۲.
- قانون مدنی.

ب- لاتین

- Bliss, Alan, (1996), **A Dictionary of Foreign Words and Phrases in Current English**, Routledge, London. ISBN 0-415-05905-4
- Durkheim, Emile, (1965), **Division of the labor in society**, translated by George Simpson, The Free Press, New York.

